

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهلوانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیناماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • ترش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۰۹۱، گوی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: همیمن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲ • ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

تحریم بی اثر

چرا مشارکت نکردن در انتخابات پیش‌رو
راهگشا نیست



فرزاد نعمتی

حבר نگار گروه فرهنگ

از نخستین سال‌های تاسیس جمهوری اسلامی، جدا از کسانی که اصلاً تمایل چندانی به امور سیاسی ندارند، یکی از اصلی‌ترین ابزار تبلیغی مخالفان رندهای حاکم، تحریم انتخابات بوده؛ چنان‌که نزد برخی از این گروه‌ها تحریم انتخابات دیگر حتی تاکتیکی برای افزایش قدرت چانه‌زنی در آینه نیست، بلکه به نوعی استراتژی و حتی ایدئولوژی بدل شده است. امروز اما می‌توان در کارایی این الگو تردید کرد و پرسید تحریم انتخابات چه تأثیر مثبتی بر شاخص‌های دموکراسی در ایران داشته است؟ پس از موج نخستین تحریم در اوایل انقلاب، دومین موج تحریم معنادار، با تحریم انتخابات ۱۳۸۱ شورای شهر آغاز شد که آمار مشارکت ۵۰ درصدی، در عمل به شهودار شدن احمدی‌نژاد انجامید. جالب اینکه این انتخابات را می‌توان یکی از آزادترین، رقابتی‌ترین و سالم‌ترین انتخابات تاریخ ایران دانست که در آن بسیاری از احزاب نظیر نهضت آزادی و ملی‌مذهبی‌ها هم لیست انتخاباتی داشتند. با این همه، نتیجه این انتخابات آن بود که مهدی چمران با کمتر از ۲۰۰ هزار رأی، نفر اول تهران شود و مصطفی تاج‌زاده با ۶۶ هزار رأی، علی‌الدین لاریجانی، این موج تحریم در انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری ۱۳۸۴ تکرار شد و برآیند آن ریاست جمهوری احمدی‌نژاد بود. با روشن شدن نتایج نامطلوب این الگو، مشارکت انتخاباتی به‌خصوص در سه انتخابات ریاست جمهوری بعدی افزایش پیدا کرد تا اینکه از سال ۱۳۹۸، موج سوم تحریم انتخابات آغاز شد و نرخ مشارکت در پنج انتخابات کاهش محسوسی پیدا کرد. اینک و در آستانه انتخابات ۱۴۰۳، برخی همچنان بر طبل تحریم می‌کوبند و برآند که مشارکت در انتخابات هیچ وجهی ندارد. من با این گزاره که مشارکت راهگشا نیست، فعالیت‌های نادر اما پرسشی که بر این روزها اهمیت پیدا کرده، این است که مبلغان تحریم در پی چه هدف عینی و ملموسی هستند و گمان می‌کنند برای ندادن چه به دست می‌آورند؟ در اینجا البته این نکته را می‌پذیریم که آنها بگویند با همین تحریم انتخابات بود که امروز به چپیشی رقابتی‌تر از انتخابات ۱۴۰۰ رسیدیم اما نمی‌دانم این تاکتیک تا کی قرار است اتخاذ شود؟ دلیل این سردرگمی امثال من احتمالاً این است که برای گروهی از تحریمی‌ها، تحریم انگار دیگر تاکتیکی برای تغییر موازنه قوا نیست، بلکه به هويت بدل شده و به همین دلیل آنها به‌طور کلی از پاسکوکویی جزئی و فنی به این پرسش امتناع می‌ورزند. شاید هم برآوردی ندارند. به هر روی، از برخی پاسکوها برمی‌آید که بخشی از این گروه، راهی جز این روش برای اعتراض مدنی به تضییع حقوق در جامعه نمی‌یابند. دسته‌های دیگر اما به نظر می‌رسد که تحریم را مقدمه سرنگونی حکومت فعلی با مداخله خارجی یا فریوپاشی آن در اثر شدت بحران کارآمدی می‌دانند. این گروه البته درباره تبعات چنین اموری، نظری دقیقی به‌مخاطبان خود ارائه نمی‌کنند.

چهره

صمد و ماهی کوچولوش

دوم تیرماه ۱۳۱۸ زاده شد و پیش از هر چیز با قصه «ماهی سیاه کوچولو» شناخته می‌شود. قصه یک ماهی شجاع و فداکار که رویایی بزرگ در سر دارد. داستانی که مرزهای زمانی و مکانی را درنوردیده و به چندین زبان ترجمه شده است. تلاش‌های صمد به‌په‌په برای بسواد کردن کودکان را باید هم‌راستای موجی از حرکت‌های نخبگان دلسوز کشور در دهه ۴۰ خورشیدی دانست که به‌دنبال رفع بی‌سوادی در سراسر کشور بودند. حرکت‌هایی مانند تأسیس سپاه دانش، تأسیس آموزش‌وپرورش‌شناسی و... دهه ۴۰ خورشیدی را باید دوران اوج این نویسنده دانست. اغلب آثار داستانی و غیرداستانی او در این دوران به چاپ رسیدند که برخی شهرت جهانی یافتند و البته به برخی هم برایش دردسرساز شدند. جالب اینکه صمد به‌په‌په، نویسنده‌ای را با طنزنویسی شروع کرد. او با کمک دوستانش در دانش‌سرا، روزنامه‌های فکاهی منتشر کرد و در همان روزنامه



نوشته‌های طنز خود را چاپ می‌کرد. به‌تدریج از سال ۱۳۳۶ قطعات فکاهی خود را در نشریاتی مانند توفیق، کشکیات، مهد آزادی و مهد آزادی آذینه به چاپ رساند. با این حال سه‌سال طول کشید تا صمد اولین داستان خود را منتشر کند.

افشاگران در محبس

اجرای حکم چند روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای در بنبوحه انتخابات شائبه‌هایی را به وجود آورده است

رسانه‌ها نکرده، مدعی‌های عموم کارش را بر اساس قانون انجام داده است.»

چرا در بنبوحه انتخابات؟

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره همزمانی دستگیری‌ها با انتخابات ریاست جمهوری و حضور قالیباف در میان نامزدها می‌گوید: «دو نکته موجب این گمانه‌زنی شده است. نکته اول این است که روزنامه‌نگاران بازداشتی، در دو، سه سال اخیر، در مورد یکی از نامزدها مطالبی منتشر و به‌اصطلاح افشاجاری‌هایی کردند و به نظر هم می‌رسد که افشاجاری‌هایشان نادرست نبوده است. نکته دیگر هم هم‌زمانی اجرای رأی آنان با انتخابات است. این دو عامل باعث شد که این گمانه‌زنی شکل بگیرد که بازداشت این دو روزنامه‌نگار حرکتی به نفع یکی از نامزدهای اصلی اصول‌گراها در انتخابات بوده است. من شخصاً نمی‌توانم این ارتباط را تأیید یا رد کنم.»
در انتخابات همچنین درباره این موضوع که هم‌زمانی این دستگیری‌ها با نزدیکی انتخابات چه تأثیری می‌تواند در گرایش مردم به شرکت در انتخابات داشته باشد، می‌گوید: «شخصاً معتقد به شرکت در انتخابات هستم؛ ولی سرخوردگی‌هایی که به‌خصوص در سه سال اخیر در بین مردم ایجاد شده، حساسیت مردم را به موضوع انتخابات به‌شدت کاهش داده است. همان‌طور که نظرسنجی‌ها هم نشان می‌دهند، حدود ۴۵ درصد از مردم در انتخابات شرکت می‌کنند. برآوردهایی که کارشناسان می‌کنند این است که میزان حضور مردم در انتخابات به‌زحمت ممکن است به ۶۰ درصد برسد. در فضای عمومی جامعه نیز چندان بحث و گفت‌وگویی در مورد انتخابات نیست. نظرسنجی صداوسیما هم حاکی از این است که درصد پائینی از مردم مناظرها را نگاه می‌کنند. منظرم از این سخن این است که برخلاف دوره‌های ۸۴، ۸۸، ۹۲ و ۹۶ و قبل از آن، در این دوره مردم توجه چندانی به امر انتخابات ندارند. در سال ۱۴۰۰ میزان مشارکت حدود ۴۶-۴۵ درصد بود که با سابقه‌های انتخاباتی که جامعه ایران دارد، بسیار پایین است. این ۴۵ درصد جمعیتی هستند طرفدار جریان اصول‌گرایی و اصلاحات و یا گروه‌های اجتماعی دیگر که همیشه در شرایط مختلف رأی می‌دهند. تمام این مسائل به این دلیل است که مردم به دلایل متعدد سرخورده هستند و گرایش به شرکت در انتخابات در آن‌ها بسیار پایین آمده است؛ بنابراین من فکر نمی‌کنم که بازداشت چند روزنامه‌نگار تأثیری در تصمیم مردم برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات داشته باشد. بازداشت این چند روزنامه‌نگار با انتخابات هم‌زمان شد و از موجباتش آن گمانه‌زنی در رابطه با بازداشت آن‌ها در حمایت از یک کاندیدای به‌خصوص است، و گرنه می‌توانستند دو یا سه هفته به تأخیر بیندازند و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آمد. این چیزهاست که باعث شده عده‌ای گمانه‌زنی کنند که بازداشت این روزنامه‌نگارها که منتقدان و افشاجاران کارهای یکی از نمایندگان بوده‌اند، برای حمایت از آن کاندیدای صورت گرفته است.»
عباس عبدی، فعال سیاسی نیز درباره دستگیری روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه در برهه انتخابات به هم‌میهن گفت: «به‌نظر من این کار نه به سود دستگاه قضایی است و نه به سود آن نامزدی که می‌خواهند از او حمایت کنند؛ زیرا این امر بحران را تشدید می‌کند و مردم را به اینجا می‌رساند که بگویند اگر می‌خواستید کسی را مجازات کنید، قبلاً مجازات می‌کردید چرا الان این کار را می‌کنید؟»
عبدی در ادامه می‌گوید: «این که به این افشاجاری‌ها رسیدگی نمی‌شود خودش موجب بحران می‌شود و نزدیک به انتخابات همانند سیلی کل فضای انتخابات را خراب می‌کند. من فکر می‌کنم که بهتر است این روزنامه‌نگاران را آزاد کنند و باهم گفت‌وگو کنند و فعلاً سکوت کنند؛ چرا که زندانی کردن‌شان اصلاً کار درستی نیست.»
با اینکه خبر بازداشت روزنامه‌نگاران خبری پرسامد در میان تیتراهای اخبار کشور در سال‌های اخیر است اما واقعیت این است که در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دستگیری روزنامه‌نگاران پیش‌درآمد خوشایندی برای این رویداد نیست و می‌تواند به شائبه‌ها و شایعاتی دامن‌برند که برخی نامزدهای انتخابات سعی دارند از دامن خود پاک کنند.

گروه رسانه: زنجیره طولی بازداشت روزنامه‌نگاران و فعال رسانه‌ای زنجیره‌ای است که گویی سر قطع شدن ندارد و طی هفته‌های گذشته در آستانه انتخابات ریاست جمهوری پس از دستگیری یاشار سلطانی و صبا آذربیک درست در روز اعلام صلاحیت‌ها حالا وحید اشتری فعال رسانه‌ای و هادی کسایی‌زاده به فهرست بازداشتی‌ها پیوسته‌اند.
نام وحید اشتری پیش از آن به دلیل افشاجاری‌هایش درباره محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و نامزد انتخابات ریاست جمهوری ایران مطرح شده بود. اشتری جزئیاتی درباره خانواده قالیباف از جمله پرورنده موسوم به «سیسمونی‌گیت» منتشر کرده بود. در آن زمان ابتدا الیاس، پسر قالیباف، در اینستاگرام این سفر را محکوم و عذرخواهی کرد. سپس محمدباقر قالیباف، پس از سکوت دوهفته‌ای، به این ماجرا واکنش نشان داد و در جلسه غیرعلنی مجلس، این اقدام را پرروزه تخریب سیاسی خود و تخریب مجلس انقلابی خواند اما همان‌زمان وحید اشتری به دو سال زندان و ممنوعیت فعالیت در شبکه‌های مجازی محکوم شد. حالا بعد از گذشت چند سال در بنبوحه انتخابات ریاست جمهوری دختر آقای قالیباف گفته که به ترکیه رفته بود اما نه برای خرید سیسمونی. او در گفت‌وگویی به اصطلاح صمیمانه درباره حواشی این سفر گفت: «این ماجرا امش حاشیه نبود چرا که همگی موارد آن دروغ بود که کام ما را در برهه‌های مهمی از زندگی مان تلخ کرد.»
اما وحید اشتری باز هم تیترا خبر شده است و این بار به خاطر اینکه پرورنده‌اش درست در همین روزهای نزدیک انتخابات در دادگاه تجدیدنظر استان تهران رسیدگی شد و رأی قطعی در خصوص یکی از پرورنده‌هایش صادر شد و برای اجرای احکام به دادسرا ارجاع داده شده است که نتیجه‌اش معرفی او به زندان است. او یکی از چهره‌های جریان عدالتخواهی است که پیش از این عضو بسیج دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود و بعد از ارائه مدارکی از فساد در توئیت‌ر سر بزبان‌ها افتاد.

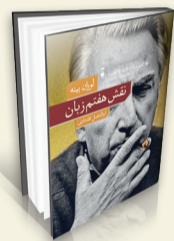
بازداشت سلطانی و آذربیک

یاشار سلطانی روزنامه‌نگار دیگری است که با اعلام تأیید صلاحیت شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری بازداشت شد. این روزنامه‌نگار بعد از رسانه‌ای کردن اسناد مربوط به جنجال خانده‌های نجومی و خبر سوء‌استفاده شهرداری تهران از پارک لوزیان در جریان مراسم عروسی دختر یکی از مسئولان بازداشت شد. این روزنامه‌نگار که سابقه بازداشت در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ دارد حالا دوباره راهی زندان شده است که سایت رسمی قوه قضائیه اعلام کرده است که آقای سلطانی در یک پرونده «۱۷ شکای» دارد و اتهام او «بازده فقره نشر اکاذیب به قصد تشویش آذهان عمومی» است و به یک سال و دو ماه حبس تعزیری محکوم شده است.
یاشار سلطانی که ید طولایی در افشاجاری دارد امسال پرورنده زمین حوزه علمیه ازگل توسط کاظم صدیقی، امام‌جمعه تهران رانیز فاش کرد که صدیقی در خصوص آن گفت: «در تأسیس مؤسسه غفلتی صورت گرفت که این غلغت از ناحیه من بود، نباید اعتماد می‌کردم. اموال حوزه با تأسیس مؤسسه جابه‌جا نشده است.»
او سپس درباره قرارداد مبهم علیرضا زاکانی، شهردار فعلی تهران و دیگر نامزد آذربیک دیگر روزنامه‌نگاری است که در بنبوحه انتخابات راهی زندان شده است. این روزنامه‌نگار هم در افشاجاری بسیاری از فسادها نقش داشته است. سایت قوه قضائیه درباره بازداشت این روزنامه‌نگار اعلام کرده است که صبا آذربیک به دلیل «پنج فقره نشر اکاذیب» به دو سال حبس تعزیری و پرداخت جریمه و بابت «تهدید» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده و برای اجرای این احکام «وارد زندان شد.»
برخی فعالان سیاسی و رسانه‌ای، بازداشت آذربیک و سلطانی را مرتبط با محمدباقر قالیباف نامزد انتخابات ریاست جمهوری دانستند اما وقتی درباره این موضوع از قالیباف سؤال شد او گفت: «این‌ها در دادگاه اولیه، دادگاه ثانویه و حتی دیوان عدالت اداری رفتند؛ شکای خصوصی دارند. من شکایتی از

کتابخانه

مرگ یا قتل رولان بارت

کتاب نقش هفتم زبان، نوشته‌ی لوران بیینه با ترجمه ابوالفضل‌الله‌دادی در ۳۹۷ صفحه، با قیمت ۴۰۰ هزار تومان توسط انتشارات نو منتشر شده است. لوران بیینه در کتاب نقش هفتم زبان، با ترکیب واقعیت تاریخی و تخیل، زمانی در رابطه با مرگ یا قتل رولان بارت می‌نویسد. رولان بارت، روشنفکر مطرح فرانسوی، در سال ۱۹۸۱، سه ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری فرانسه طی تصادفی می‌میرد. این تصادف درست در روزی اتفاق می‌افتد که بارت در حال بازگشت از ضیافت ناهاری با فرانسوا میتران، یکی از نامزدهای آن انتخابات، بوده است. هر چند مرگ بارت می‌تواند صرفاً حادثه بوده باشد، اما او همراه خود سندی داشته که احتمال قتلش را هم پیش می‌کشد. ژاک بایار، کمیسر پلیس فرانسه مأمور رسیدگی به این مسئله می‌شود. بیینه، کمیسر بایار را وارد دنیای روشنفکران سال‌های دهه ۸۰ فرانسه می‌کند و از این طریق خواننده را در جریان زندگی روشنفکری آن دوره، رقابت‌ها، حسادت‌ها و... قرار می‌دهد.



نقش هفتم زبان
نویسنده: لوران بیینه
مترجم: ابوالفضل
الله‌دادی
انتشارات: نشر نو

تاریخ

به توپ بستن مجلس مشروطه



در روز دوم تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی ساختمان مجلس شورای ملی به دست قزاقان مسلح روس به فرماندهی کلنل لیاخوف با توپخانه هدف حمله قرار گرفت و آسیب دید و بدین ترتیب عصر موسوم به استبداد صغیر آغاز شد. این رخداد به‌واسطه اوج‌گیری اختلافات محمدعلی شاه قاجار با مشروطه‌خواهان حادث شد و به‌واسطه آن در حالی که کمتر از دو سال از افتتاح مجلس اول شورای ملی گذشته بود، عمر این مجلس قانون‌گذاری به پایان رسید. در این دو سال طرفین منازعه در دربار و مجلس نتوانستند راهی برای مصالحه پایدار پیدا کنند و این امر به‌خصوص با به سلطنت رسیدن شاه جوان دشوارتر نیز شد. او مشروطه را قبول نداشت و در عمل نیز کوشید به هر طریق ممکن در مقابل آن سنگ‌اندازی کند؛ چنانکه در مراسم تاج‌گذاری خویش مجلسیان را دعوت نکرد، وزرای خود را هم به مخالفت و بی‌اعتنایی به مجلس تکلیف یا تشویق کرد و در واقع به توپ بستن مجلس، با راهنمایی نظامیان روس نقاط مختلف تهران را به ستاد عملیاتی خود علیه مشروطه‌خواهان تبدیل کرد.